

آموز‌ه‌های اشتباه قضایی و پلیسی در فیلم‌ها و سریال‌ها

فیلم و سریال‌ها علاوه برداشتن نقش سرگرم کننده می‌توانند در آموزش بینندگان نیز سهم مهمی را ایفا کنند، موضوعی که در چند سال اخیر سعی شده تا حد قابل توجهی مورد توجه قرار بگیرد.
با این حال در بیشتر موارد، با وجود برده شدن نام برخی از کارشناس‌ها حقوقی و انتظامی در تیتراژ پایانی بعضی از فیلم و سریالها، در مواردی شاهد آن هستیم که به بینندگان اطلاعات غلط داده می‌شود و هیچ مقامی چه قضایی یا انتظامی دراین زمینه اعتراضی نمی‌کنند.

این در حالی است که به گفته بسیاری از کارشناسان قضایی و پلیسی آموزش صحیح می‌تواند تا حد قابل توجهی در بالا بردن آگاهی و آموزش شهروندان به عنوان یکی از ارکان‌های حقوق شهروندی تأثیر گذار باشد.

دراین میان باید به دو سریال اخیر «پدر» و «ستایش» که اخیراً از تلویزیون پخش شد، اشاره کرد، که مسائل قضایی و پلیسی به صورت غلط در این دو مجموعه به تصویر کشانده شد، که در این یادداشت می‌توان به نمونه‌هایی از آن اشاره کرد.

در مجموعه پدر، وقتی پلیس وارد صحنه قتل عمومی لیلا می‌شود و او را در صحنه می‌بینند، به عنوان مظنون به قتل بازداشت می‌شود و در پلیس آگاهی با تهدید افسر پرونده به قتل اعتراف می‌کند و در دادگاه حکم قصاص صادر می‌شود و به قول و کیل پرونده این حکم در دادگاه تجدیدنظر (که البته صحیح آن دیوان عالی کشوراست) به تأیید می‌رسد و دست آخر با رضایت پسر مقتول، لیلا از قصاص نجات پیدا می‌کند و پس از دستگیری و اعتراف قاتل اصلی، تازه او از زندان آزاد می‌شود.

این درحالی است که باتوجه به مدارک و لوازم نوین کشف جرم به ندرت امکان دارد، بی‌گناهی قصاص‌شود یا بتوان پلیس را فریب داد.
از این‌که بگذریم باید به عمومی‌لیلا اشاره کرد که در تمامی مدت با جعل مدارک هم پلیس و هم قضا‌ت را فریب داد و تازه پس از به قتل رسیدن او و بازگشت پسرش که در مواجه با حاج علی می‌گوید: این پول‌ها را پدر کشته شده‌اش به حساب دفترچه بانکی‌اش واریز کرده‌است و برای او نیست و باید به حاج علی بازگردد، اصلاً در هیچ کجای سریال نه قاضی و نه پلیس با وجود امکاناتی که برای اثبات جعلی یا واقعی بودن مدارک موجود است به این مهم پی نمی‌برند.

از موارد مختلف آموزش‌های قضایی و حقوقی غلط این سریال که بگذریم، نوبت به مجموعه ستایش می‌رسد، دراین مجموعه، همسر صابر نقشه قتل می‌کشد و با اجیر کردن قاتل چند نفر را می‌کشد و با وجود تمامی مدارکی که پلیس دارد و مطمئن است که زن دوم صابر در تمامی قتل‌ها دست دارد، تا زمانی که نقشه قتل فردوس کشیده می‌شود و به مرحله اجرا در نمی‌آید، پلیس وارد عمل نمی‌شود، این درحالی است که تمامی مدارک علیه اوست، شاید هم ادعا شود برای لطمه نخوردن به داستان و به درازا کشانده نشدن و جذابیت فیلم موضوع به این صورت رقم می‌خورد.

با این حال، به عنوان خبرنگاری که درسال‌های نه چندان دور در حوزه دادگاه‌ها و پلیس فعالیت داشتم‌ام توقع بر این است که حالا که قرا‌است، وجود کارشناس قضایی و خصوصاً پلیس در این مجموعه‌ها حس شده، حداقل برای زير سؤال نرفتن مسائل حقوقی و پلیسی دقت لازم در این خصوص شده و اطلاعات غلط به بینندگان داده نشود.



سرقت خودرو به همراه کودک داخلی

سارق خودرو که سواری ریو را به همراه کودک سه‌ساله سرقت

کرده بود، بازداشت و طفل به خانواده‌اش تحویل داده شد.

به گزارش جوان، سرهنگ علی سلیمانی، رئیس پلیس شهرستان نظرآباد استان البرز گفت: مأموران پلیس روز گذشته از سرقت خودروی ریو که طفلی سه‌ساله داخل آن بوده در محدوده شهرستان ساوجبلاغ با خبر شده و تمامی مجورهای ورودی و خروجی شهرستان‌های نظرآباد و ساوجبلاغ را تحت کنترل درآوردند. مأموران گشت کلاتری در نزدیکی روستای «هیو» ساوجبلاغ به دختر سه‌ساله‌ای با مشخصات کودک ک ربوده شده برخورد کردند که در کنار جاده گرمیه می‌کرد که همزمان با انتقال طفل به اداره پلیس به جست‌وجو ادامه دادند و در نهایت خودروی سرقتی را که به سمت شهرستان نظرآباد در حال حرکت بود شناسایی کردند و موفق به توقف آن و دستگیری سارق شدند.

سرهنگ سلیمانی گفت: پس از حضور والدین طفل در کلاتری مشخص شد که دختر بچه پیدا شده متعلق به آنهاست که به خانواده‌اش تحویل داده شد.

متهم نیز در بازجویی‌ها اعتراف کرد: هنگام عبور از محل متوجه یک دستگاه خودروی ریو روشن که مقابل یک فروشگاه توقف کرده بود، شدم و آن را سرقت کردم، اما پس از حرکت متوجه کودکی شدم که در صندلی عقب خوابیده بود، بنابراین از سرق از محل دور شده و حوالی روستای «هیو» کودک را رها کردم، اما خودم هم خیلی زود دستگیر شدم. سرهنگ سلیمانی گفت: سارق که دارای چندین فقره سوابق کیفری است، برای تحقیقات تکمیلی و شناسایی سایر جرائم احتمالی همراه با پرونده مقدماتی در اختیار پلیس آگاهی شهرستان نظرآباد قرار گرفت.

فرمانده انتظامی شهرستان نظرآباد بیان اینکه پدر این کودک سونج خودرو را داخل آن گذاشته و خودرو را به صورت روشن رها کرده بود فرصت ارتکاب جرم را برای سارق فراهم کرد، بنابراین از شهروندان تقاضا می‌شود با رعایت موارد پیشگیرانه، فرصت ارتکاب جرم را فراهم نکنند.

پسر ۱۸ ساله خون به پا کرد

پسر ۱۸ساله پس از قتل برادر، پدر و مادرش با ضربات چاقو با طرح سناریوی دروغین مدعی شد مردي نقابدار حادثه مرگبار را رقم زده‌است. متهم اما در بازجویی‌های بیشتر اعتراف کرد به خاطر تبعیض خانوادگی دست به این جنایت هولناک زده است.

به گزارش جوان، عصر روز شنبه ۱۲آبان‌ماه بود که پسر ۱۸ساله وارد کلاتری شاهد شهر شیربار شد و مأموران پلیس را از حادثه‌ای خونی که ساعتی قبل در خانه‌شان رقم



گفت‌وگو با متهم

متهم که پسر ۲۰ساله‌ای به نام پیمان است، با دستان و صورت و سری یان‌پنج شده در جلسه بازجویی حاضر شد و ادعا کرد آتش اعتیاد به گاز فندک باعث مرگ دختر مورد علاقه‌اش شد. او صبح دیروز پس از بازجویی به سوالات خبرنگار ما هم پاسخ داد.

آواز از کجای شناختی؟

دوست قدیمی‌ام و او‌ا در یک کوچه زندگی می‌کنند و من در رفت و آمدی که با خانه دوستم داشتم با او آشنا شدم. مدتی با هم ارتباط تلفنی داشتیم تا اینکه کم کم برای دیدن یکدیگر در کافی‌شاپ قرار می‌گذاشتیم و گاهی هم با خودروی من داخل خیابان دور دور می‌کردیم.

پدر و مادر شما و او‌ام از ارتباط شما با خبر بودند؟

بله، ما قصد ازدواج داشتیم و پدر و مادر من و او‌ا در جریان آشنایی ما بودند اما پدر و مادر او‌ا با ارتباط

پسر جوانی که به عنوان مظنون حادثه مرگ مرعوز دختر ۱۷ساله‌ای در آتش‌سوزی خودروی پژو بازداشت شده‌است، ماجرا را شرح داد.

به گزارش جوان، شامگاه دوشنبه ششم آبان‌ماه قاضی ساسان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادرسی‌ امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلاتری ۱۳۴ شهر کربخ از مرگ مشکوک دختر نوجوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در بیمارستان بهمن با جسد دختر ۱۷ساله‌ای به نام او‌ا روبرو شدند که به طرز مرعوزی به کام مرگ رفته بود.

پدر او‌ا به مأموران گفت: دخترم ساعت ۱۸:۳۰ برای رفتن به کافی‌شاپ از خانه بیرون رفت تا اینکه ساعت نزدیک به ۹ شب پسر جوانی با ما تماس گرفت و مدعی شد که دخترمان داخل خودرواش دچار آتش‌سوزی شده‌است. بلافاصله خودمان را به محل حادثه رساندیم که دیدیم عوامل اورژانس در حال انتقال او‌ا به بیمارستان هستند. او‌ا تا نزدیکی بیمارستان نفس داشت، اما دقایقی بعد فوت کرد.

بررسی‌های مأموران نشان داد دختر فوت شده ساعتی قبل داخل خودروی پژو برشپای پسر ۱۷ به نام پیمان بوده که ناگهان داخل خودرو آتش می‌گیرد و در جریان آن او‌ا فوت می‌کند و پیمان به شدت دچار سوختگی و به بیمارستان منتقل می‌شود.

در حالی که آزمایش‌های اولیه تیم پزشکی حکایت از این داشت او‌ا بر اثر استنشاق گاز فوت کرده‌است، مأموران تحقیقات خود را درباره این حادثه ادامه دادند تا اینکه صبح دیروز پیمان به عنوان مظنون حادثه پس از بهبودی نسبی برای بازجویی از بیمارستان به دادرسی‌ امور جنایی تهران منتقل شد. پیمان در بازجویی‌ها مدعی شد که او‌ا معتاد به گاز فندک بود و پس از استنشاق گاز فندک هنگامی که می‌خواست سیگارش را روشن کند داخل خودرو آتش گرفت و او را به کام مرگ کشاند و خودش دچار سوختگی شد.

پس از تحقیقات قاضی غلامی با صدور قرار قانونی برای متهم به مأموران دستور داد تا اعلام نظریه پزشکی قانونی و مشخص شدن علت اصلی مرگ درباره زوایایی پنهان حادثه تحقیق فنی انجام دهند.

درباره شب حادثه توضیح بده؟

عصر روز حادثه من با تماس گرفت و قرار گذاشت شب را با هم بیرون برویم. ساعتی ۱۸:۳۰ بود که از محل کارم که صرفاً در شهرک غرب است با موتور سیکلتم به خانه‌مان رفتم و خودروی پژوی خودم را برداشتم و به دنبال او‌ا رفتم. او‌ا سوار خودروام شدم و با هم به‌راه افتادیم تا اینکه از من خواست جلوی مغازه سوپر مارکتی توقف کنم. او به داخل مغازه رفت و با نایلون مشکی برگشت که بعد فهمیدم کپسول گاز فندک خریده است. ساعت ۸ شب گذاشته بود و هوا بارانی بود که او‌ا داخل ماشین شروع به استنشاق گاز فندک کرد. نزدیک ساعت ۹ شب بود که در حالی که شیشه‌های خودرو بالا بود او‌ا فندک را زد تا سیگارش را روشن کند که ناگهان داخل خودرو آتش گرفت.

بعد چه شد؟

او‌ا به سرعت از خودرو پیاده شد و کمی انظر فتر

سرقت اموال دانشجویان در کمال خونسردی



است. بررسی‌های گام به گام کارآگاهان در جریان بود تا اینکه آنها موفق شدند یکی از سارقان را که رامین نام داشت شناسایی کرده و او‌ا بان‌ماه او را در مخفیگاهش غافلگیر و بازداشت کنند.

رامین ۲۵ساله در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی از دانشجویان اعتراف کرد و گفت: از مدتی قبل دچار مشکلات زیاد مالی شدم و به خاطر اینکه نتوانستم برای تأمین مشکلاتم پیدا کنم تصمیم به سرقت گرفتم. سرقت‌هایم را هم از شش‌ماه قبل با کمک یکی از دوستانم که سعید نام دارد شروع کردم. برای سرقت هم محیط‌های دانشگاهی را انتخاب کردیم و به عنوان دانشجوی وارد این محیط‌ها می‌شدم. ابتدا به سراغ دانشگاه‌های علامه طباطبایی و تربیت مدرس رفتم. یکی از ما از محیط‌های اطراف مراقبت می‌کرد و فرد دوم هم در فرصت مناسب اموال دانشجویان که بیشتر لپ‌تاپ یا دوربین عکاسی بود را سرقت کرده و اموال سرقتی را هم به مالخری در چهارراه ولیعصر می‌فروختم و پول آن را هم بین خودمان تقسیم می‌کردیم.

با اطلاعاتی که رامین در اختیار پلیس گذاشت سعید هم شناسایی شد اما مشخص شد که او به شهری در غرب کشور گریخته‌است که تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. کارآگاهان همچنین مالخـر پرونده را در چهارراه ولیعصر و بازداشت و در بازرسی از مخفیگاه او ۹لپ‌تاپ و دو دوربین عکاسی سرقت شده را کشف کردند. سرهنگ کارآگاه سید شمس‌الدین میزگی، معاون مبارزه با جرائم سرقت وسائط نقلیه پلیس آگاهی پایتخت گفت: با اعتراف‌های رامین به سرقت‌های سریالی از دانشجویان تلاش برای شناسایی مالباختگان و کشف جرائم بیشتر متهم در جریان است. وی همچنین گفت: همدست متهم بازداشت شده هم تحت تعقیب پلیس قرار دارد.



سارق: وقتی همسرم فهمید دزدی کرده‌ام طلاق گرفت

اعضای یک‌شبهک سرقت که با دستبرد به خانه‌های شمال تهران اقدام به سرقت می‌کردند، بازداشت شدند. در حالی که تلاش پلیس برای بازداشت سر دسته متهمان در جریان است یکی از متهمان گفت وقتی همسرش از سرقت‌های او با خبر شده طلاق گرفته‌است.

به گزارش جوان، ۱۵ اسفندسال ۹۶، مردی با مراجعه به اداره پلیس سه مرد جوان به اتهام سرقت از خانه‌اش شکایت کرد و گفت: «مشب بعد از برگشت از مهمانی وقتی وارد خانه‌ام شدم با دو مرد غریبه روبه‌رو شدم. آنها در حال سرقت بودند که سد راهشان شدم، اما سارقان با تهدید قمه و شمشیر از راه‌پل فرار کردند. دنبال آنها دویدم و وقتی به در ورودی خیابان رسیدم مرد رهگذری برای کمک، به دنبال سارقان دوید که همان لحظه یکی از آنها با شمشیر به دست و کتف او زد، سپس دو سارق همراه یک خودروی وانت پیکان که تابلو فرش‌هایم را بار زده بودند، متواری شدند».

با اعلام این شکایت، در روند تحقیقات با رصد دوربین‌های مدار بسته و ثبت پلاک پیکان وانت، راننده خودرو به نام رضا شناسایی و دستگیر شد. متهم به پلیس آگاهی منتقل شد و به جرمش با همدستی دو نفر از دوستانش به نام‌های کمال و اکبر اقرار کرد. او در روند بازجویی‌ها به سرقت منزل دیگری در سعادت آباد نیز اقرار کرد که مرتکب سرقت یک عدد تلویزیون و گلیف عتیقه شده بودند.

به این ترتیب، دو همدست متهم تحت تعقیب قرار گرفتند و با شناسایی اکبر اماردی از کمال به دست نیامد.

با اقرار متهمان، از آنجائیکه کمال همچنان متواری بود پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دیروز روز میز هیئت قضایی به ریاست قاضی کشکولی قرار گرفت.

ابتدای جلسه اولین شاکی در جایگاه ایستاد و برای سرقت پنج‌تابلو فرش درخواست رد مال و اشد مجازات کرد. سپس دومین شاکی نیز گفت: «شب حادثه وقتی به خانه گشتیم همه جا به هم ریخته بود. این صحنه تأثیر بدی در روحیه همسر و مادرم گذاشت و هنوز هم به آرامش نرسیده‌اند. سارقان یک عدد تلویزیون و یک گلیف عتیقه بسیار قیمتی را از منزل سرقت کردند. برای آنها رد مال و درخواست اشد مجازات دارم.»

دیگر شاکی که مرد رهگذر بود و از ناحیه کتف آسیب دیده بود نیز درخواست دیه کرد.

سپس اکبر به اتهام مشارکت در سرقت با سلاح سرد و ایراد ضرب و جرح به مرد رهگذر در جایگاه قرار گرفت و گفت: «دو سرقت را قبول دارم اما به کتف شاکی ضرب نزدم. کمال بود که او را زخمی کرد و حالا متواری است.» او در ادامه گفت: «در سرقت اول ما فقط یک عدد تلویزیون و چند شیشه مشروب سرقت کردیم و از سرقت گلیف عتیقه اطلاعی ندارم.» سپس متهم در خصوص سرقت دوم گفت: «برای سرقت تابلو فرش‌ها، کمال به راحتی وارد خانه شد چون در ورودی باز بود. رضا هم در خودرو نشسته بود و من هم در ساختمان نگهبانی می‌دادم. بعد از دقایقی کمال پنج‌تابلو فرش را با آسانسور پایین برد و داخل وانت رضا گذاشت. همان لحظه مرد صاحبخانه رسید و با ما درگیر شد. قصد فرار داشتیم که در پیاده‌رو مرد رهگذر دنبلمان کرد و کمال برگشت و با شمشیر به کتف او زد.» در ادامه رضا نیز در جایگاه ایستاد و به اتهام مباشرت در سرقت با سلاح سرد با انکار جرمش گفت: «در هر دو سرقت، داخل خانه‌ها رفتم و در خودروام نشست بودم. در سرقت تلویزیون، کمال به من و اکبر فقط ۱۵۰هزار تومان پول داد. در سرقت دوم، بعد از اینکه کمال پنج‌تابلو فرش را در ماشینم گذاشت بلافاصله از محل گریختم و صبح روز بعد، تابلوها را به ترمینال بردم و کمال همراه همسرش آنها را به کرمانشاه برد. قرار بود با فروش تابلوها به ما پول بدهد اما خبری نشد تا اینکه دو ماه بعد دستگیر شدیم.»

متهم در آخرین دفاعش گفت: «قبل از حادثه عقد کرده بودم اما وقتی به زندان افتادم همسرم درخواست طلاق داد به همین دلیل مجبور شدم خودروام را فروشم و خرج همسرم کنم. حالا تنها یک خواهر و برادرم برایم مانده است و پدر و مادرم نیز سابقا قلیل فوت کرده‌اند. در زندان خیلی سختی کشیدم و توبه کردم. از شاکیان تقاضای بخشش دارم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

جانور خطرناک به اعدام محکوم شد

مجرم سابقه‌دار معروف به جانور خطرناک که به اتهام تعرض به هشت زن بازداشت و محاکمه شده به مرگ محکوم شد.

به گزارش جوان، رسیدگی به پرونده از سال ۹۶ با دستگیری یکی از سارقان حرفه‌ای خودرو به جریان افتاد. پس از انتشار تصویر متهم در رسانه‌ها بود که چند زن و دختر به مأموران پلیس خبر دادند که از سوی این مرد مورد آزار قرار گرفته‌اند. به این ترتیب متهم که از مجرمان سابقه‌دار بود و به جانور خطرناک معروف شده بود، پس از مواجهه با شاکیان به تعرض به آنها اعتراف کرد و گفت با خودروهای سرقتی زنان و دختران را روده و به آنها تعرض کرده‌است. در حالی که هشت زن و دختر علیه متهم شکایت کرده بودند، پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهم چند روز قبل پای میز محاکمه ایستاد. هیئت قضایی به ریاست قاضی کیخواه پس از شنیدن شکایت شاکیان و دفاعیات متهم، وی را به اعدام و زندان محکوم کرد.